



پیام نوریها
public channel



✓ کانال پیام نوریها در سال 95 با هدف تهیه جزوات و نمونه سوالات افتتاح و از همان ابتدای تاسیس کوشیده است با تکیه بر تلاش بی وقفه، کارگروهی و فعالیت های بدون چشمداشت کاربران متمایز خود، قدمی کوچک در راه پیشرفت ارائه خدمات به دانشجویان این مرز و بوم بردارد.

@Payamnoria

[telegram.me/Payamnoria](https://t.me/Payamnoria)

رایگان است و همیشه رایگان میماند



اطلاع از اخبار و دانلود جزوات و نمونه سوالات

[برای ورود به کانال تلگرامی پیام نوریها کلیک کنید](#)

" کانال و خانواده تلگرامی پیام نوریها "

با عضویت در کانال و به آرشیو زیر دسترسی پیدا کنید

✓ تمام نمونه سوالات به روز تا آخرین دوره

✓ جزوات درسی

✓ بیش از ۱۰۰ فلش کارت دروس

✓ اخبار به روز پیام نور

✓ فیلم و فایل آموزشی اختصاصی

✓ انجام انتخاب واحد و حذف و اضافه

✓ پاسخگویی به سوالات دانشجویان

✓ معرفی گروه و انجمن های پیام نوری

✓ طنز و توییت دانشجویی

به یکی از بزرگترین کانال های پیام نوری بپیوندید

[برای ورود به کانال تلگرامی پیام نوریها کلیک کنید](#)

تربیت اخلاقی

فصل اول: مفاهیم و تعاریف

**مقدمه

- * بررسی موضوع علم اخلاق و تبیین مبادی، مبانی، مراحل، مسائل و روش‌های کسب علم اخلاق از دغدغه‌های بشر بوده است.
- * اخلاق نه تنها در امور دینی و آخرتی افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه زندگی دنیایی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- * علم اخلاق در اسلام به مطالعه مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی در منابع اسلامی و نحوه درونی کردن آن به صورت صفات و ویژگی‌های نفسانی می‌پردازد.
- * هدف بعثت پیامبر اسلام (ص) تکمیل ارزش‌های اخلاقی در انسان است.
- * قرآن کریم، انبیاء و اولیای دینی را به عنوان الگوی عملی اخلاقی بودن معرفی کرده است.

**تعریف اخلاق

- * حکمای گذشته، روح و نفس غیرمادی انسان را مبنای رفتار ظاهری و عمل اخلاقی می‌دانستند.
- * از دیدگاه متخصصان، اخلاق بر سه مبنای علمی، عملی و صفات و ملکه نفسانی تعریف شده است:
- * اخلاق به عنوان علم و آگاهی: آگاهی از عادات، آداب و سجایای بشر.
- * اخلاق به عنوان عمل و رفتار: تحقیق در رفتار و عمل آدمی به گونه‌ای که باید و کامل باشد.
- * اخلاق به عنوان صفات نفسانی: هیئتی استوار و راسخ در جان که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می‌شوند.

**تفاوت خلق با خَلق

- * «خَلق» مخصوص آفرینش هیئت، اشکال و صورت‌های ظاهری و مادی است.
- * «خَلْق» مخصوص آفریدن قوا و صفات روحی است که با بصیرت قابل درک می‌باشد.
- * وجود ابعاد و ویژگی‌های باطنی و معنوی انسان مانند محبت، عدالت، صداقت، حکمت، قدرت، ثروت، شجاعت، عزت و مانند آن از جمله وجودهای اخلاقی ذاتی و تکوینی انسان هستند که علم اخلاق در راستای تعالی و تکامل این موجودات نفسانی تدوین شده است.

**دو نوع خلقت: تکوینی و تکلیفی

- * ابعاد روحی و روانی انسان بر مبنای آفرینش فطرت اولیه الهی به صورت تکوینی از اسماء ذاتی و صفات فعلی خدا در انسان تجلی کرده است.
- * همه آدمیان در ابتدای خلقت تکویناً برخوردار از آفرینش مکارم اخلاقی هستند و نیازمند تکامل آن می‌باشند.
- * در ابتدای ایجاد روح، آفرینش فطری اولیه همه انسان‌ها به صورت کَمّی کامل و مشترک بین همه انسان‌ها، با توانایی‌های یکسان می‌باشد.
- * خداوند حکیم «انگیزه» را به عنوان عامل تحریک کننده روح در انسان آفرید و متناسب با آن ذات انگیزشی مواد غیر مادی مورد نیاز او را مانند اعتقادات، عبادات، اخلاقیات و امثال آن خلق کرد.
- * علم اخلاق علمی است که از احوال و احکام این خَلق‌ها و سرشت‌ها سخن می‌گوید تا در اثر عمل به آن‌ها ملکاتی در نفس ایجاد گردد.
- * خداوند متعال در آیه ای درباره کرامت ذاتی و سرشتی انسان فرموده است ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم برتری بخشیدیم (اسراء 70)
- * علم اخلاق به انسان می‌آموزاند تا با عمل به مفاهیم و مسائل اخلاقی صفات و ملکات متناسب با ذات او در فرد ایجاد شود.

****تعریف تربیت**

*تربیت از ریشه «ربب» به معنای مالک، صاحب و مدبر و «ربو» به معنای افزایش، زیادت و رشد گرفته شده است.

*«رب»، شکوفا کننده و رشد دهنده تمامی صفات و اسمای الهی انسان است که از مجرای فطرت الهی به او داده شده است.

*تربیت به فرایند زمینه سازی و به کارگیری روش ها و شیوه هایی جهت ایجاد، تقویت، رشد و شکوفاسازی رفتارها و آداب شایسته و از بین بردن رفتارها و آداب ناشایست در انسان و دیگران اشاره دارد.

****ارزش و اهمیت تربیت**

*تربیت نیکو سبب تزکیه اخلاق است.

*تربیت سبب تیزهوشی می شود.

*دل جوان همچون زمین خالی است که هر بذری در آن افکنده شود، می پذیردش.

****رابطه اخلاق با تربیت**

1. تربیت مفهوم عامی است که هم شامل رشد جسمانی و هم شامل رشد روانی، اجتماعی، شناختی، عاطفی و مانند آن می گردد؛ اما اخلاق فقط به صفات و ویژگی های روحی و روانی انسان اشاره دارد.

2. مسأله اساسی تربیت، کیفیت طی کردن مسیر و رسیدن به مقصد است؛ ولی موضوع اساسی علم اخلاق، نشان دادن محتوای مسیر و مقصود است.

3. تربیت نشان دادن مجموعه ای از اعمال عمدی و تربیتی یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) برای ایجاد صفتهای اخلاقی، علمی یا مهارت های حرفه ای است؛ ولی اخلاق به ایجاد کردن و درونی شدن صفات اخلاقی می پردازد که توسط خود فرد به وجود می آید.

4. تربیت مسیری را ترسیم می کند که غایات مختلف شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، حرکتی و مانند آن را شامل می گردد؛ ولی اخلاق یکی از آن مسیرها و غایات می باشد.

5. در مباحث تربیتی، اینکه چه چیزی ارزش یا ضدارزش است مورد نظر نیست و بیشتر به چگونه رفتن و به کجا رفتن می پردازد؛ ولی اخلاق ارزش ها را تبیین می کند.

****تعریف دین**

* تعریف لغوی و اصطلاحی: دین در لغت به معنای حکم، جزا، قانون شریعت، تسلیم و انقیاد است. در اصطلاح، دین به مجموعه ای از عقاید، اخلاق و قوانین گفته می شود که به منظور اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها وضع شده است.

* مفهوم قرآن: از دیدگاه قرآن، دین یک مفهوم عام اعتقادی است که شامل هر نوع باور، چه مادی یا غیرمادی، حق یا باطل می شود. حتی کافران نیز دین خاص خود را دارند.

****ضرورت دینداری**

* دینداری برای هر انسانی یک ضرورت است؛ زیرا هر فردی در موضوعات مختلف دنیوی یا اخروی، اعتقاد و باوری دارد. دین، مجموعه ای از افکار، عقاید و باورهای شناختی است که مبنای رفتار و زندگی عملی انسان ها را تشکیل می دهد.

* شریعت های آسمانی برای پاسخ به این نیاز ضروری ذاتی انسان به دین تشریع شده اند.

****انواع دین در قرآن**

* قرآن دین ها را به دو دسته حق و باطل تقسیم می کند. خداوند انسان ها را بین انتخاب یکی از این دو مخیر کرده است. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از دین حق پیروی می کنند در حالی که کافران از باطل پیروی می کنند.

نکته : خداوند در آیات مختلف به پیروان دین حق و باطل اشاره کرده و این انتخاب را به انسان‌ها واگذار کرده است. کسانی که دین حق را نپذیرند، ناگزیر از دین باطل پیروی می‌کنند.

* پابندی به ایمان و اعمال شایسته و اعتقاد به پیامبران، پیروی از دین حق است.

انسان در صورت نپذیرفتن دین حق، به دین باطل روی می‌آورد.

* دین اسلام، دین حق، هدفش تحقق سلامت انسان از طریق آموزه‌هایی است که به حفظ سلامت جسمانی و روحی فرد و جامعه تاکید دارد.

* نکته : قرآن کلمه «اسلام» را به عنوان تنها دین خدا مطرح می‌کند. پیروی از دین اسلام به معنای ورود به سلامت است.

* پیروی از دیگر ادیان مردود است.

***** دین اسلام :**

* قرآن، "اسلام" را به عنوان تنها دین خدا و دین حق معرفی می‌کند.

* "اسلام" از ریشه "سلم" گرفته شده و به معنای ایجاد سلامت در انسان است. سلامت، به معنای دوری از آفات ظاهری و باطنی، نجات یافتن و دور شدن از بلاها و عیب‌ها است.

* هدف اسلام، تحقق سلامت انسان در تمامی ابعاد است و دستورات آن بر اساس توانایی ایجاد سلامت در انسان یا جامعه انسانی بنا شده است. (دور بودن از آفات ظاهری و باطنی).

* دستورات اسلام بر اساس توانایی ایجاد سلامت در انسان یا جامعه انسانی است.

* معیار دستورات خداوند برای انسان، توجه به حفظ سلامت جسمی، روحی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی است. هر چیزی که برای حفظ سلامت انسان یا جامعه انسانی مفید و ضروری باشد، واجب دانسته شده و هر چیز غیرمفید و مضر، حرام است.

* آیه: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در سلم و سلامت [=طاعت خدا] درآیید و پیروی از گام‌های شیطان نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است."

* آیه: "و خداوند شما را به سوی سرای سلامت دعوت می‌کند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید."

* روایت امام باقر (ع): "خداوند متعال هیچ چیزی را برای بندگانش حرام یا حلال نکرده است مگر اینکه میل و رغبتی برای حلالیت و نفرت و کراهتی برای محرمت در آن یافته است."

* آیه: "همانا دین نزد خدا تنها اسلام است و اهل کتاب در آن اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه به حقانیت آن یقین داشتند" (آل عمران ۱۹).

* آیه: "هر کس بخواهد غیر از اسلام را به عنوان دین بپذیرد از او قبول نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است" (آل عمران ۸۵).

* دین خدا در هر زمانی توسط هر پیامبری برای هدایت انسان‌ها ارسال می‌شود و آن شریعت، دین خدا، دین حق و دین اسلام است.

***** رابطه اخلاق و دین**

* این دومفهوم دارای معنا و کاربرد عام هستند و شامل گستره مطلق از دین حق و باطل، دنیایی و آخرتی، کوچک و بزرگ، فردی و اجتماعی می‌شوند.

* دین از منظر قرآن، یک مفهوم اعتقادی و یک جنبه شناختی عام است.

* دین در راستای پاسخگویی به شناخت و معرفت در همه نیازهای جسمی و روحی، دنیایی و آخرتی تشریع شده است.

* خداوند دین اسلام و حق را در غالب قوانین و برنامه‌هایی تشریع و تکلیف کرده است تا انسان بتواند برای نیل به هدف کمالی و تعالی خود از آن بهره ببرد.

* اخلاق به آن نتایج و آثار رفتاری و عملی انسان اشاره دارد که بر مبنای پیروی از دین حق یا باطل در ساختار فطری و روحی او ایجاد می‌گردد.

* اخلاق به جنبه تولیدی و عملی انسان اشاره دارد.

* هر عملی که انسان انجام می‌دهد، اثری در ذات و سرشت او ایجاد می‌کند.

* عمل متناسب با دین و شریعت اسلام، "اخلاق حسنه" است و فضایل ایجاد می‌کند.

* عمل مخالف دین حق، "اخلاق سیئه" است و رذایل اخلاقی ایجاد می‌کند.

* دین جایگاه شناختی و معرفتی دارد و با عقل و ساختار شناختی انسان مرتبط است، در حالی که اخلاق جنبه رفتاری و عملی دارد و خاستگاه آن نفس و قلب است.

* دین جنبه شناختی، اعتقادی و معرفتی دارد و جایگاه روحی و روانی آن، عقل و ساختار شناختی انسان بوده و جایگاه جسمانی ارتباط آن با بدن مغز است.

* اخلاق، جنبه رفتاری و عملی داشته و خاستگاه روحی و روانی آن نفس و قلب است.

*** عقل نظری و عملی :**

حکما و فلاسفه قدیم دو مفهوم عقل نظری و عقل عملی را برای کاربرد دو جنبه شناختی و عملی عقل استفاده می‌کردند.

* عقل نظری: ساختار روانی شناختی انسان که قدرت درک و فهم دین را محقق می‌نماید.

* عقل عملی: ساختار روانی اخلاقی و رفتاری انسان که قدرت اراده و عمل را برای اخلاقیات انسانی محقق می‌نماید.

*** تعریف آداب :**

* آداب، جمع ادب است و به معنای دعوت کردن به جشن و مهمانی آمده است. ادب به معنای ظواهر رفتار و سلوک ظاهری افراد، ملت‌ها و گروه‌ها است که از ارکان اعمال محسوب می‌شود. رعایت آداب الهی به معنای تربیت و مراقبت از اعضا و جوارح ظاهری و رفتاری است.

* آداب می‌تواند مربوط به طبقه خاصی از مردم یا صاحبان پیشه خاص باشد. آداب با سبک زندگی مرتبط است و با توجه به مکان‌ها و زمان‌های مختلف، شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی را اقتضا می‌کند.

* تربیت و مراقبت از اعضا و جوارح ظاهری و رفتاری.

* آداب مربوط به رعایت ظواهر رفتاری و مراعات عادات و آداب ظاهری است و غالباً مربوط به طبقه خاصی از مردم یا صاحبان پیشه خاصی است.

* امام علی (ع): "نیکوترین ادب آن است که تو را از حرام‌ها باز دارد."

* امام صادق (ع) از قول پدرشان: "هر که با دوست بد همنشینی کند سالم نمی‌ماند و هر که گفتار خود را مهار نکند پشیمان می‌گردد و هر که به جاهای بد درآید آماج تهمت و بدگمانی می‌شود."

*** ارزش و اهمیت آداب :**

* بهترین میراث پدران برای فرزندان (امام علی (ع)).

* نیکوترین پشتیبان و برترین هم‌نشین.

* رعایت آداب الهی موجب رستگاری ابدی می‌شود.

*** رابطه اخلاق با آداب :**

- * آداب نمایانگر رفتار ظاهری است (نماد ظاهری رفتار) و می تواند نشانه ای از نیت های فرد باشد. در حالی که اخلاق به منزله نشانه های خلیات و نیت صاحب یک رفتار است. (اخلاق: در شرایط زمانی و مکانی ثابت).
- * آداب در جوامع مختلف متفاوت است، ولی اصول اخلاقی ثابت هستند.
- * آداب، می تواند نشان دهنده خلیات و نیت صاحب یک رفتار باشد.
- * آداب نسبت به جوامع، مکان ها و زمان ها فرق می کند، در حالی که اخلاق در شرایط زمانی و مکانی متفاوت تغییر نمی کند. (مانند راستگویی)
- * آداب بیشتر به مباحث جزئی و فرعی می پردازد، و با توجه به مکان های مختلف و زمان های متفاوت شیوه ها و روش های متفاوتی اقتضاء می کند. در حالی که اخلاق مباحث کلی، عمومی و جهان شمول است.
- * رابطه منطقی بین اخلاق و آداب، رابطه عام و خاص من وجه است؛ یعنی بخشی از آداب (اداب اخلاقی) با اخلاق همپوشانی دارد که به عنوان آداب اخلاقی شناخته می شود.

*** تعریف فلسفه اخلاق:**

- * فلسفه اخلاق به بررسی پیش فرض ها و مبادی تصویری و تصدیقی اخلاق هنجاری می پردازد و پشتوانه ای نظری برای گزاردهای اخلاقی فراهم می کند. (بررسی مبانی و مفاهیم علم اخلاق).
- * فلسفه اخلاق به سؤالاتی درباره ماهیت خوبی و بدی، منشأ آنها و معیارهای تعیین خوب و بد بودن افعال می پردازد. (بحث از ماهیت خوب و بد)
- * همچنین به چالش های تعریف اخلاقی در جوامع مختلف و مسئولیت انسان در مقابل دیگران می پردازد. (پاسخ به سؤالاتی درباره منبع خوبی ها و بدی ها و امکان زندگی اخلاقی)
- آیا اخلاقی زیستن ممکن است؟ غایت زندگی اخلاقی چیست؟

*** معیار اخلاق در اسلام :**

- * موضوع فلسفه اخلاق علم اخلاق و مباحث مطرح در آن است؛ در حالی که موضوع علم اخلاق، نفس، روح، رفتار و صفات انسانی است بر این اساس مسائل مطرح شده در فلسفه اخلاق با علم اخلاق نیز متفاوت است.
- * بررسی معیارهای اخلاقی و فلسفی در زمینه ارزش های خوب و بد و منشأ آن ها.
- * بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی بر اصول اخلاقی.
- * بررسی منشأ ذاتی یا اجتماعی اعمال اخلاقی.
- * دیدگاه های مختلف در مورد منشأ خوب و بد (ذاتی، سعادت و کمال انسانی).
- * فلسفه اخلاق به عنوان مبنا و پایه علم اخلاق.
- معیار اخلاق در اسلام بر اساس دیدگاه های مختلف علماء و فلاسفه به شیوه های گوناگونی تعریف شده است.
- * ذاتی بودن خوب و بد: برخی از فلاسفه اخلاق به ذاتی بودن خوبی و بدی تاکید دارند. در این دیدگاه، صفاتی مثل صداقت، عدالت، شجاعت و سخاوت به عنوان خوبی ها و صفات ناپسند همچون دروغ، ظلم، ترس و بخل به عنوان بدی ها شناخته شده اند. این ویژگی ها به صورت فطری برای عقل انسانی قابل درک هستند.
- * سعادت و کمال: گروه دیگری از فلاسفه اخلاق بیان می کنند که معیار اخلاق بر مبنای سعادت و کمال انسانی است. عملی اخلاقی به عمل هایی گفته می شود که موجب کمال و تعالی انسان می شوند و برعکس، کارهای ضد اخلاقی موانع سعادت و کمال فرد محسوب می شوند.

* سلامت و کمال: بر اساس آیات و روایات اسلامی، عمل اخلاقی آن است که سبب سلامت روح و جسم انسان گردد، در حالی که اعمال غیر اخلاقی با بیماری و مرگ انسان ارتباط دارد.

* رابطه علم اخلاق با فلسفه اخلاق

رابطه علم و فلسفه اخلاق به چند نکته قابل توجه تقسیم می‌شود:

1. پایه و مبنا: فلسفه اخلاق، مبنا و پایه علم اخلاق است و در آن مبادی تصویری و تصدیقی و قواعد عام و خاص اخلاق به بحث گذاشته می‌شود.
 2. شناسایی فضایل و رذایل: علم اخلاق می‌تواند فضایل و رذایل نفسانی و افعال نیک و بد را شناسایی کند و بر اساس نتایجی که از فلسفه اخلاق به دست آمده، کمال هر قوه انسانی را شناسایی کند.
 3. ترتیب منطقی: فلسفه اخلاق از نظر منطقی، مقدم بر علم اخلاق است، در حالی که علم اخلاق از نظر موضوعی مقدم بر فلسفه اخلاق است. این همانند وضو و نماز است که وضو از نظر زمانی مقدم است در حالی که هدف از وضو، اقامه نماز است.
 4. تفاوت متدولوژی: فلسفه اخلاق با روش‌های عقلانی به بررسی مباحث می‌پردازد، در حالی که علم اخلاق با رویکردهای نقلی، عرفانی و دیگر رویکردها به بحث می‌پردازد.
- نکته: در حالی که فلسفه اخلاق به بررسی مباحث با روش‌های عقلی می‌پردازد، علم اخلاق به شناسایی صفات انسانی و رفتارها همچون روان، روح و ذات می‌پردازد.

* اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی در اسلام به عنوان موضوعی مهم مورد تاکید قرار گرفته و به دو عامل اساسی در ضرورت آن می‌پردازد:

- * فراگیری اخلاق: انسان باید به فراگیری اخلاق بپردازد زیرا هر اقدام او بر ذاتی و سرشت او تأثیر می‌گذارد. این اقدامات می‌توانند فضایل یا رذایل اخلاقی را در او شکل دهند. بدیهی است که عمل اخلاقی مرتبط با فضایل و عمل غیر اخلاقی مرتبط با رذایل است.
 - * خلق و ایجاد صفات روحی: اخلاق حسنه ضامن حیات، سلامت و کمال انسان است. اگر انسان به دنبال فضایل اخلاقی نباشد، قطعاً گرفتار اخلاق سیئه خواهد شد و از سلامت روحی محروم می‌گردد.
 - * وظایف تکلیفی: حفظ و حراست از خلقت اولیه و ارتقاء استعدادهای بالقوه جسم و روح، وظایف تکلیفی انسان‌ها هستند. در این راستا، خداوند انسان را به سوی رشد و کمال فرا می‌خواند.
- نکته: اخلاق به دو معنای فضایل و رذایل شناخته می‌شود و هر عمل یکی از این دو را در انسان ایجاد می‌کند.
- نکته: اخلاق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد و دستورالعمل‌ها مغز سرشت انسان است که راه هدایت به سوی قرب الهی است.
- نکته: اعمال اخلاقی افراد را به رشد و شکوفایی می‌رساند و در واقع، دستورات دینی، پاسخ‌گوی نیازهای انسانی برای کمال و تعالی هستند.
- * انسان نسبت به فراگیری اخلاق و عمل فعل اخلاقی ناگزیر است زیرا انسان هر فعلی را در مقام، گفتار کردار و رفتار انجام می‌دهد در درون و سرشت ذاتی او، چیزی را می‌آفریند.
 - * خلق و ایجاد صفات روحی انسان، در گرو عمل اخلاقی اوست.
 - * حیات سلامت و کمال او در گرو آفرینش و ایجاد اخلاق حسنه است.
 - * کوتاهی در کسب اخلاق حسنه منجر به گرفتاری در اخلاق سیئه می‌شود.
 - * حفظ و حراست از خلقت اولیه تکوینی (خلق) و خلقت اولیه تکوینی روح (خلق) یکی از مهمترین اهداف و وظایف تکلیفی انسان است.
 - * ارتقاء و تکامل استعدادهای بالقوه جسم و روح.

* آیه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد (انفال ۲۴).

* رشد و کمال روحی و اخلاقی انسان با الفاظی همچون قرب، رشد، غناء، لقاء، زیادت، صیورت بیان شده است.

***** اخلاق و سلامت روح**

* دستورات اخلاقی : دستورات اخلاقی در اسلام به انسان‌ها کمک می‌کند تا در جستجوی قرب الهی و کمال روحی خود برآیند. در قرآن کریم، به دستورات اخلاقی به عنوان عوامل حیاتی برای انسان اشاره شده است.

* تعالی و کمال : آیات مختلفی به مفاهیم قرب، رشد، غنا و رشد روحی و اخلاقی اشاره دارند و تأکید دارند که دستورات اخلاقی کمال‌زا برای انسان ضروری است.

نکته: دستورات اخلاقی اسلام به عنوان عواملی برای سلامت و حیات واقعی انسان معرفی می‌شود. آیات مختلف قرآن به اهمیت دستورات اخلاقی در ایجاد زندگی پاک و طیب اشاره دارند.

اخلاق عامل حیات، سلامت و کمال روح است.

* دستورات اخلاقی اسلام، مفاهیم عملی شریعت است که خداوند بزرگ آن را جهت پاسخ به نیازهای سرشتی ادبی توسط پیامبرانش جهت تعالی و تکامل آن‌ها صادر کرده است.

* اخلاق موجب اجتناب از بیماری و مرگ روحی می‌شود.

* اگر ویژگی‌های اخلاقی به سوی ارزش‌ها هدایت نشوند؛ قطعاً، مکاره‌ها و ردایل و ضدارزش‌ها در آنها شکل می‌گیرد و شاکله تشکیل دهنده او را اخلاق ناپسند تشکیل می‌دهد.

* عدم توجه به اخلاق حسنه منجر به نابودی سرمایه‌های الهی و ابتلا به بیماری‌های روحی می‌شود.

* افرادی که ویژگی‌های اخلاقی خود را به سوی ارزش‌ها هدایت نکنند، قطعاً گرفتار مکاره، ردایل و ضدارزش‌ها خواهند شد.

* قرآن کریم: "قسم به عصر که انسان در خسارت و زیان است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در [دین] یکدیگر را سفارش کردند" (عصر ۱-۳).

***** اخلاق و اجتناب از بیماری و مرگ**

* تأثیر منفی اخلاق ناپسند : اگر انسان به اخلاق حسنه متصف نشود، در نهایت عدالت و سلامت خود را از دست می‌دهد و به فساد و مرگ روحی مبتلا خواهد شد. قرآن کریم از این موضوع با تعبیراتی مانند «خاب» و «خسر» یاد می‌کند.

* افزایش بیماری‌ها : بی‌توجهی به تربیت اخلاقی باعث افزایش بیماری‌های روحی و حتی عواقب مرگ روحی می‌شود. حالتی شبیه احتضار بر افرادی که ایمان ندارند، حاکم خواهد بود.

نکته: اقدامات غیر اخلاقی و نداشتن خصلت‌های نیک در نهایت به شیوع بیماری و نابودی روح انسان می‌انجامد.

نکته: قرآن کریم این موضوع را با بیان ویژگی‌های نفرین شده مانند «خاب» و «خسر» به تصویر می‌کشد و نشانه‌ای از سقوط اخلاقی انسان محسوب می‌شود.

* قرآن کریم اولین گام نابودی انسان را از دست دادن سرمایه‌های ارزشمند درونی الهی او معرفی کرده است.

* پس از نابودی ثروت‌های درونی، بیماری‌ها و آسیب‌های اخلاقی در انسان شکل می‌گیرد که قرآن کریم از آن به عنوان "مرض" یاد کرده است.

* انسان‌هایی که اخلاق حسنه در درون خود ایجاد نکنند، نه تنها آن‌ها را رشد نمی‌دهند، بلکه به بیماری و مرگ روحی مبتلا می‌شوند و سرمایه‌های الهی خود را از دست می‌دهند.

- تربیت اخلاقی نه تنها برای رشد فردی بلکه برای سلامت و کمال حیاتی انسان ضروری است.

- اعمال و رفتارهای نیکو، سرمایه‌های درونی انسان را تقویت کرده و سبب افزایش سلامت روح و جسم او می‌شود.

- در نهایت، عدم توجه به تربیت اخلاقی می‌تواند به تباهی و نابودی شخصیت و روح انسان منجر شود.

تربیت اخلاقی یک ضرورت حیاتی در اسلام به شمار می‌آید. اخلاق نه تنها به کمال روحی انسان کمک می‌کند بلکه سلامت روان و جسم او را نیز تضمین می‌کند. به عبارتی، اخلاق حسنه منجر به رشد، تعالی و حیات واقعی انسان می‌شود و از سقوط و نابودی آن جلوگیری می‌کند. در نهایت، انسان‌ها باید هوشیار باشند و نگرانی‌ها را در مورد اخلاق و تربیت اخلاقی جدی بگیرند تا در مسیر صحیح زندگی قرار گیرند و از سرمایه‌های ارزشمند درون و معنوی خود حراست کنند.

خود آزمایی چهارگزینه ای فصل اول

۱. اخلاق، هبیتی است استوار و راسخ در جان است که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می‌شوند؛ این تعریف به کدام مبنای زیر اشاره دارد؟

الف) علم و آگاهی (ب) عمل و رفتار (ج) صفات نفسانی (د) همه موارد

۲. آیه شریفه ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم برتری بخشیدیم، به کدام گزینه زیر اشاره دارد؟

الف) خلقت تکوینی (ب) خلقت تکلیفی (ج) خلقت تکمیلی (د) همه موارد

۳. این مفهوم که عامل برانگیزاننده جسم انسان است که متناسب با آن ذات بوده و مواد مادی مورد نیاز را تأمین می‌کند، به کدام گزینه زیر اشاره دارد؟

الف) انگیزه (ب) غریزه (ج) فطرت (د) همه موارد

۴. کدام گزینه زیر، به معنای دین اشاره ندارد؟

الف) حکم و قضا (ب) تسلیم و انقیاد (ج) فطرت (د) روش و رویه

۵. کدام گزینه زیر، به معنای کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی و نجات یافتن و دور شدن از بلاها و عیب‌ها آمده است؟

الف) اسلام (ب) تسلیم (ج) سلامت (د) فطرت

۶. کدام گزینه زیر در توصیف دین در قرآن کریم بیان شده است؟

الف) حنیف بودن (ب) قیم بودن (ج) معتدل بودن (د) همه موارد

۷. کدام گزینه زیر، در ریشه مفهوم تربیت بیان شده است؟

الف) ریب (ب) ربو (ج) هر دو مورد (د) هیچ کدام

۸. پرکاربردترین مفهوم در قرآن کریم کدام گزینه زیر است؟

الف) رب (ب) الله (ج) هر دو مورد (د) هیچ کدام

۹. در حدیث امام صادق علیه السلام، به چه کسی گفته می‌شود به بهشت برو، و به چه کسی گفته می‌شود بایست و شفاعت کن؟

الف) عالم و عابد (ب) عابد و عالم (ج) عالم و عامل (د) عامل و عابد

۱۰. کدام مفهوم زیر بیشتر به مباحث جزئی و فرعی می پردازد و کدام واژه زیر به مباحث کلی، عمومی و جهان شمول اشاره دارد؟

الف) تربیت و اخلاق ب) آداب و تربیت ج) آداب و اخلاق د) اخلاق و آداب

۱۱. کدام مفهوم زیر به عنوان مبنا و پایه اخلاق است و در آن مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق و همچنین قواعد عام و خاص اخلاق هنجاری و غیر آن بحث می شود؟

الف) دین و آیین ب) تربیت ج) آداب د) فلسفه اخلاق

۱۲. معیار اخلاق از منظر علماء و فلاسفه اسلامی کدام گزینه زیر است؟

الف) ذاتی بودن خوب و بد یا حسن و قبح ذاتی ب) کاری که موجب کمال و تعالی گردد اخلاقی است

ج) سلامت و کمال از طرفی و بیماری و مرگ از طرفی دیگر د) همه موارد

۱۳. کدام یک از مفاهیم زیر به نابودی ارزش های انسانی اشاره دارد؟

الف) خاب، خسر و حسد ب) خاب حسد و حبط ج) خاب، خسر و حبط د) حسد، خسر و حبط

فصل دوم: عوامل تربیت اخلاقی

❖ مقدمه :

عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی انسان بسیار گسترده و شامل عوامل زیستی بیولوژیکی، شناختی، روانی، رفتاری و اجتماعی هستند. این عوامل به دو دسته بنیادی تقسیم می شوند:

1. عوامل ذاتی (پیش از تولد یا پس از آن) 2. عوامل اجتماعی (تأثیر محیط و اجتماع)

نکته: هر رویدادی در زندگی انسان هم معلول علل و عوامل تشکیل دهنده خود و هم علت برای تربیت بعدی اوست. تأثیر این عوامل به یک اندازه نیست؛ برخی اصلی و برخی فرعی هستند. برخی قبل و برخی بعد از تولد اثر می گذارند؛ برخی مادی و زیستی و برخی غیرمادی و روان شناختی هستند.

❖ عوامل ذاتی :

این عوامل (عوامل رشد اخلاقی) از بدو تولد در انسان وجود دارند و به دو دسته تقسیم می شوند:

* صفات بالفعل : صفات و خصوصیات فعلیت یافته ای که در فرد بروز پیدا می کنند (مانند وراثت و فطرت).

* استعدادهای بالقوه : توانایی ها و استعدادهایی که برای بروز نیاز به عوامل دیگر دارند.

❖ وراثت :

وراثت انتقال ژن ها و کروموزوم ها از والدین و اجداد است که خصوصیات جسمانی و رفتاری انسان را تعیین می کند. این ژن ها در هسته سلول ها، بر روی کروموزوم ها و به شکل مولکول های DNA قرار دارند. ژن ها بخشی از DNA هستند که اطلاعات را ذخیره می کنند. اکثر صفات بیولوژیکی اثر ترکیبی از تعداد زیادی ژن هستند. برای اثرگذاری یک ژن، باید به پروتئین ترجمه شود که توسط مولکول های RNA انجام می شود. اطلاعات ترجمه شده از هسته به سیتوپلاسم منتقل می شود.

علم مطالعه ژن ها را «ژنوتیپ» و علم مطالعه خصوصیات بالفعل را «فنوتیپ» می نامند. وراثت به عنوان مواد خام و ظرفیت بالقوه توانایی های انسان در نظر گرفته می شود، نه به عنوان عاملی جبری و غیرقابل تغییر. دامنه تغییرات هر صفتی در وراثت تعیین می شود و هر خصوصیتی که قرار است ابراز شود، مبنای آن در وراثت وجود دارد.

تأثیر وراثت بر صفات انسانی و ویژگی‌های رفتاری می‌تواند مستقیم (صفات جسمانی) یا غیرمستقیم (صفات شخصیتی و رفتاری) باشد. قرآن کریم لفظ "وراثت" و "ارث" را 35 بار به کار برده است، که غالباً به میراث مالی اشاره دارد، اما در برخی آیات، کاربردی اعم از آن نیز منظور شده است (مانند آیه‌ای در سوره مریم و آیه‌ای در سوره اعراف). روایاتی از پیامبر اکرم (ص) و امامان نیز بر نقش وراثت در انتقال صفات تأکید دارند. با این حال، وراثت به تنهایی سرنوشت‌ساز نیست و نقش محیط و تربیت نیز حیاتی است. میزان تأثیرپذیری هر صفت از محیط متفاوت است؛ صفات پیچیده مانند هوش و خلاقیت، نیازمند نقش‌پذیری بیشتری از محیط نسبت به صفات ساده‌تر مانند رنگ چشم هستند.

وراثت قدرتی طبیعی است که توسط آن صفات از نسل به نسل منتقل می‌شوند. این فرایند شامل موارد زیر است:

* ساختار ژنتیکی: انسان از تریلیون سلول تشکیل می‌شود. هر سلول شامل هسته، کروموزوم‌ها و DNA است.

* ژن: بخشی از DNA که اطلاعات بیولوژیک را ذخیره می‌کند و تعیین‌کننده خصوصیات جسمانی و رفتاری است.

* نقش وراثت: وراثت به‌عنوان پایه‌ای‌ترین عامل رشد اخلاقی، بر رفتار و شخصیت تأثیر می‌گذارد، اما بر اساس عوامل محیطی نیز می‌تواند تغییر کند.

* سلول ← هسته ← کروموزوم (23 جفت) ← DNA ← ژن

* ترجمه ژن: RNA (انتقال اطلاعات از هسته به سیتوپلاسم) * ژنوتیپ (مطالعه ژن‌ها) و فنوتیپ (مطالعه خصوصیات بالفعل)

* نکات وراثت در روایات:

* وصلت با خانواده خوب * انتقال خصوصیات اجداد به فرزندان * ظرف‌های انتقال ژن (پدر، مادر، عموها، دایی‌ها)

* محدودیت‌های وراثت:

* عاملی مؤثر، نه مسلط و سرنوشت‌ساز * تأثیر شرایط محیطی و تربیتی (نقش عوامل محیطی ضروری)
* عدم جبرگرایی (مخالف عدالت و حکمت الهی) * تفاوت میزان تأثیرپذیری صفات از محیط (هوش و خلاقیت نیازمند نقش‌پذیری بیشتر)

نکته: وراثت به‌عنوان عامل مؤثر در رشد اخلاقی، نباید به‌عنوان عامل جبری در نظر گرفته شود.

نکته: افراد با وراثت نیکو نیز می‌توانند تحت تأثیر اراده و محیط به انحراف بروند و بالعکس.

* فطرت:

فطرت به معنای ذات، سرشت، طبیعت و صفت ذاتی است و به آفرینش اولیه و روحی و روانی انسان اشاره دارد که او را به سوی حقایق هستی هدایت می‌کند. در قرآن، آیاتی وجود دارند که با استفهام انکاری، سؤالی را مطرح می‌کنند و بدون پاسخ می‌گذارند، زیرا پاسخ در فطرت انسان نهفته است (مانند آیه 60 سوره الرحمن).

فطرت به توانایی‌های سرشتی روحی انسان اشاره دارد که او را از مبدأیی به سوی مقصدی هدایت می‌کند. فطرت دارای خصوصیات بالفعل و استعداد‌های بالقوه است. ویژگی‌های فطری مانند قدرت، عزت، حکمت و صداقت، در ابتدای خلقت در همه انسان‌ها به صورت بالفعل وجود دارند، اما گرایش و میل به آنها نیز حتی در افرادی که در عمل به آنها بی‌توجه هستند، وجود دارد. این نشان از بالفعل بودن ویژگی‌های فطری در ابتدای خلقت برای همگان دارد.

فطرت مانند وراثت دارای دو نوع خصوصیات بالفعل و بالقوه است. برای رشد و شکوفایی استعداد‌های بالقوه، عوامل تربیتی، محیطی و ارادی ضروری هستند. فطرت دارای یک ساختار تکوینی اولیه الهی است که از استعداد‌های بالفعل و بالقوه برخوردار است. این ساختار، کانون عالی‌ترین بخش از روح الهی و ایمانی انسان است. آفرینش فطرت، نوعی آفرینش است که در همه انسان‌ها وجود دارد؛ ذاتی و غیر اکتسابی است؛ علی‌رغم شدت و ضعف، از بین نمی‌رود؛ تبدیل‌پذیر و زوال‌پذیر نیست. اگر این نیرو در مسیر صحیح هدایت قرار نگیرد، در مسیر مخالف قرار گرفته و باعث شکل‌گیری رذایل اخلاقی می‌شود. (آیه 30 سوره روم)

نکته: فطرت در هر انسانی وجود دارد و کلیه انسان‌ها به‌طور بالقوه از ویژگی‌های ذاتی و فطری مشابهی برخوردار هستند.

نکته: انسان‌ها تمایل به شناساندن و ظهور این ظرفیت‌ها دارند، به‌طوری که حتی اگر در عمل با ضعف‌هایی مواجه شوند، تمایلات اخلاقی و فضیلت‌ها در فطرت آنها نهفته‌اند.

نکته: فطرت به‌عنوان یک ویژگی ذاتی در هر انسان وجود دارد. این ویژگی‌ها امکان رشد و شکوفایی دارند و در طول عمر باید تحت تربیت صحیح قرار گیرند.

* ویژگی‌های آفرینش فطرت:

- * در همه انسان‌ها
- * ذاتی و غیر اکتسابی
- * عدم زوال و تبدیل‌پذیر
- * عامل حرکت درآورنده رشد و تربیت انسان

* انحراف فطرت:

- * قرار گرفتن در مسیر مخالف و متضاد (شکل‌گیری رذایل اخلاقی)

* عوامل اجتماعی:

انسان در تعامل دائم با محیط و اجتماع خود است و عناصر آن در جهت سازندگی یا ویرانگری بر شکل‌گیری شخصیت او تأثیر می‌گذارند. رابطه بین فرد و اجتماع، حقیقی است و سبب می‌شود که خواص و آثار اجتماع در فرد تأیید و تقویت شود. قرآن کریم بر اهمیت تأثیر اجتماع و مسئولیت انسان در قبال آن تأکید دارد. (آیه 97 سوره نساء)

نکته: عوامل اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت افراد و تأثیر عمیق بر رشد اخلاقی نقش حیاتی دارند. این عوامل می‌توانند سازنده یا مخرب باشند. قرآن کریم به نقش مهم اجتماع اشاره کرده و مسئولیت انسان در قبال آن را تذکر می‌دهد.

* واژه‌های قرآنی برای معرفی اجتماع‌های انسانی: ← قوم، قبیله، امت، ملت، طائفه، قریه، ناس، شعب، اهل

- * تأثیر اجتماع بر شکل‌گیری شخصیت (سازندگی یا ویرانگری)

* رابطه فرد و اجتماع: ← رابطه‌ای حقیقی (تأیید و تقویت خواص و آثار اجتماع در فرد)

- * الفت و جمع (مانند آب در ظرف‌های متعدد)

* مسئولیت انسان در قبال اجتماع: ← نفی مطلق پذیرش شرایط اجتماعی بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها

* خانواده:

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که با ازدواج تشکیل می‌شود. خانواده به عنوان سلول‌های تشکیل‌دهنده اجتماع، نقش مهمی در توسعه و تربیت انسان دارد. اسلام به تعالی خانواده اهمیت بسیاری می‌دهد و آن را کانون تربیت می‌داند. یکی از اهداف مهم ازدواج، تأمین نیازهای عاطفی و ایجاد آرامش، مودت و رحمت است. (آیه 21 سوره روم) حراست و نگهداری حریم اعضای خانواده از معصیت نیز از کارکردهای خانواده است. (آیه 6 سوره تحریم)

نکته: خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت اخلاقی فرد دارد:

روابط خانوادگی: ← شرعی، قانونی، انسانی، عاطفی

* اهداف تشکیل خانواده:

- * تأمین نیازهای عاطفی (آرامش، مودت، رحمت)
- * تأمین نیازهای عاطفی (عشق، محبت، دوستی، صمیمیت، امید)
- * تربیت عواطف مثبت و کمالات و شخصیت انسانی
- * حراست و نگهداری حریم اعضا از معصیت و گناه
- * تربیت در محیط سالم و پر از آرامش و دوستی
- * اهمیت صمیمیت در خانواده (همراهی و همدلی)

نقش مادر و پدر در تربیت اخلاقی فرزندان بسیار مهم است:

* **مادر:** کودک مهم‌ترین سال‌های تکوین رشد را در محیط انس و الفت با مادر می‌گذراند. مادران به لحاظ عواطف سرشار، پناهگاه مطمئنی برای کودک هستند.

* **پدر:** نقش پدر مکمل وظیفه مادر است. قرآن کریم بر پیروی فرزندان از پدران تأکید دارد و روایاتی از امامان نیز بر نقش پدر در تربیت اخلاقی فرزندان تأکید دارند.

* مادر:

- * نقش کلیدی در تربیت اخلاقی
- * محیط انس و الفت (اکتساب عادات، آداب، صفات)
- * پناهگاه مطمئن (احساس امنیت)

* پدر:

- * نقش مکمل وظیفه مادر
- * پیروی فرزندان از پدران
- * حفظ و مصونیت فرزندان از خطرهای و انحراف‌ها

نکته : خانواده باید کانون آرامش و دوستی باشد تا بتواند ارزش‌های اخلاقی را به فرزندان منتقل کند.

نکته : مسئولیت والدین در تربیت صحیح که از ابتدا در آیات و روایات تأکید شده است، بسیار مهم است.

*** دوستان و همسالان :**

* دوستان و همسالان نقش بسیار مهمی در رشد اخلاقی دارند، زیرا انسان از طریق مصاحبت و رفاقت از آن‌ها الگو می‌گیرد و پیروی می‌کند.

* رفاقت و معاشرت از جمله عوامل رشد، سعادت و کمال بشر شمرده می‌شود.

*** معیارهای انتخاب دوست**

* بزرگوار و بزرگ‌منش: همشینی با افراد بزرگوار و بزرگ‌منش باعث کمال عقل و شرافت نفس می‌شود. پیامبر (ص) فرمودند سعادتمندترین مردم کسی است که با چنین افرادی معاشرت کند.

* خردمند و دانش‌دوست: همشینی با خردمندان و دانش‌دوستان موجب افزایش علم، زیبایی ادب و تزکیه نفس می‌شود. امام علی (ع) فرمودند که بیشترین صلاح و درستی در همشینی با خردمندان و صاحب‌دلان است.

* باتقوا: دوستی‌های غیردینی ناپایدار و دشمنی‌آور است. امام علی (ع) فرمودند: کسی که تو را به سرای جاویدان فرا خواند و در راه رسیدن به آن کمک کند، دوستی دلسوز است. (زخرف ۶۷: دوستان دنیایی در قیامت دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران.) (فرقان ۲۸: وای بر من ای کاش فلانی را به دوستی خود نگرفته بودم) -پشیمانی از دوستی با افراد نامناسب. و امام علی (ع) فرمود: هر که تو را به سرای جاویدان فرا خواند و... یاریت رساند همو دوستی دلسوز است.

* عاقل: از همشینی با افراد سست‌رأی و ناپسند پرهیزید، زیرا هر کس را از دوستش می‌شناسند.

* بردار و صبور: امام صادق (ع) فرمودند برای شناخت صداقت دوست، او را عصبانی کنید. اگر در هنگام عصبانیت نیز بر دوستی خود پایدار ماند، او برادر شماست. (اگر می‌خواهی بدانی برادرت در دوستی با تو صداقت دارد، او را عصبانی کن...)

* آزمایش در سفر: امام صادق (ع) فرمودند هیچ کس را به دوستی شناس مگر آنکه در سه چیز او را بیازمایی: خشم، مسائل اقتصادی و سفر.

* ویژگی‌های یک دوست خوب (به نقل از امام حسن (ع)): آراستگی، حفظ کردن، کمک و یاری، باور سخن، تقویت، پوشاندن عیب‌ها، یادآوری خوبی‌ها، بخشش بی‌منت و ناراحتی برای مصیبت‌های دوست.

نکته: رفاقت و معاشرت، عامل رشد، سعادت و کمال بشر. انسان بر دین و آیین دوست و همشین خود است. (آیه نساء ۱۲۵: خدا ابراهیم را دوست خود گرفته است.)

* پیامبر اکرم (ص): انسان بر دین و آیین دوست و همشین خود است. و حکایت همشین صالح مثل عطار است...

* امام صادق (ع): وقتی خواستی بدانی در تو خیری هست یا نه، به قلبت نگاه کن... (دوستی با اهل طاعت نشانه خیر است.)

*** محیط طبیعی :**

* تأثیر محیط: محیط زندگی (آب و هوا، شرایط جغرافیایی) بر تربیت اخلاقی انسان مؤثر است.

* محیط طبیعی به مکان فیزیکی و شرایط طبیعی که فرد در آن زندگی می‌کند اشاره دارد.

* این محیط شامل عوامل غیرانسانی مانند آب، هوا، نور، گرما، سرما، خشکی، کوهستانی، ساحلی، کویری، جنگلی، روستایی و شهری است.

* زندگی در بیابان روحیه افراد را سخت و خشن می‌کند. امام علی (ع) در مورد تأثیر محیط بیابانی بر اخلاق عرب‌ها در دوران جاهلیت سخن گفتند. حدیث امام علی (ع) در نهج البلاغه، خطبه ۲۶: "...بدترین آیین را برگزیده بودید..." توصیف سختی‌های زندگی عرب در جاهلیت (سنگستان‌های ناهموار، مارهای زهردار، آب‌های تیره، خونریزی)

امام علی (ع): در نهج البلاغه، خطبه ۴۵: درختی که در بیابان خشک روید چوبش سخت تر است... - تأثیر سختی در مقاومت و شکل گیری شخصیت.

نکته: سختی آب و هوا در مقاومت و شکل گیری شخصیت و تربیت افراد تأثیر بیشتری دارد.

✱ ✱ خانه:

✱ خانه به عنوان محل عبادت و آرامش: قرآن کریم یکی از کارکردهای خانه را محل ذکر و تلاوت آیات الهی می داند.

(احزاب ۳۴: آنچه در خانه هایتان از آیات و حکمت تلاوت شده است...) (نور ۳۶: خانه ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و رفیع است)

✱ علامه طباطبایی معتقد است خانه ای که به ذکر خدا مزین شود، رفعت می یابد.

✱ کارکردهای تربیتی خانه: آسایش جسم و آرامش جان، خانه باید پناهگاهی برای ابراز احساسات، ارضای غرایز و تأمین نیازهای روحی و جسمی باشد.

(نحل ۸۰: خداوند خانه های شما را محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد.)

✱ خانه های فسق و فجور: در قرآن از خانه هایی یاد شده که به عنوان محلی برای فسق و فجور استفاده می شوند. (شعراء ۱۲۹: آیا به هر سرزمین مرتفع عمارت و کاخی بنا می کنید... - اشاره به قوم عاد و ساختن بناهای لاهو و لعب)

پیامبر (ص) فرمودند: کسی که برای خودنمایی و شهرت خانه ای بسازد، در روز قیامت آن را بر پشت خود حمل می کند.

✱ ویژگی های خانه مناسب:

✱ باید در راه رشد و رسیدن به هدف خلقت استفاده شود.

✱ داشتن مسکن فراخ از خوشبختی های یک مسلمان است.

✱ خانه ای متوسط از نشانه های سعادت مرد است.

✱ از خوشبختی مرد مسلمان، داشتن مسکنی فراخ است. و دلی سپاسگزار، زبانی گویا به ذکر خدا، خانه ای متوسط و همسری شایسته.

✱ ✱ لباس:

✱ تأثیر متقابل لباس و تربیت:

✱ لباس هم از تربیت انسان تأثیر می پذیرد و هم بر آن اثر می گذارد.

✱ لباس نشان دهنده شخصیت و رشد انسان است.

✱ لباس تقوا:

✱ لباس باید پوشاننده و زیبا باشد و با معیارهای تقوا همراه باشد.

✱ علاوه بر لباس جسم، به لباس روح (تقوا) هم باید توجه کرد. (اعراف ۲۶: "جامه تقوا، این برای شما بهتر است"). (اهمیت لباس تقوا)

✱ روایات درباره نوع پوشش:

✱ لباس سفید: استفاده از لباس سفید نیکو و پاکیزه است.

✱ لباس متناسب با جنسیت: پوشیدن لباس های زنانه توسط مردان و بالعکس نهی شده است.

✱ اعتدال در پوشش: لباس شهرت، باید حد وسط میان این خصوصیات را رعایت کرد. (نه نازک و زننده، نه ضخیم و خشن یا از نظر بلندی و کوتاهی)

* منع از لباس شهرت: لباسی که باعث جلب توجه بیش از حد شود، نهی شده است. (آن حضرت از پوشیدن دو نوع لباس نهی فرمود لباسی که به زیبایی شهره انگشت نما باشد و لباسی که به زشتی شهره باشد)

* آیه ۳۲ اعراف: بگو لباس‌هایی که مردم خود را به وسیله آنها زینت می‌دهند و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟ (نشان دهنده حلال بودن استفاده از زینت‌ها)

*** عوامل عبادی :**

عوامل عبادی به مجموعه عناصر غیرمادی و تاثیرگذار بر تربیت اخلاقی انسان اشاره دارد که بر مبنای اتصال و ارتباط او با مبدا خلقت، موجب تعالی و تکامل وی می‌گردد. این عوامل به عنوان ابزاری برای دستیابی به تربیت انسانی و شخصیت معنوی و تکامل یافته و برخورداری از نعمات الهی نقش آفرینی می‌کنند. انجام عبادات، برای پاک بودن، پاک ماندن و پاک زیستن ضروری هستند.

* عبودیت: هدف خلقت انسان و جن، عبودیت خداست. (ذاریات 56: "جن و انس را جز برای عبودیت خود نیافریده‌ام.") عبودیت یعنی اطاعت از فرامین خدا در زندگی روزمره، اعمال، رفتار، اخلاق، افکار و گفتار.

* قرآن: کتاب هدایت، شفای سینه، ذکر حق، منبع پند و عبرت، مولد آگاهی و بصیرت، و علاج کوردلی. قرآن ثقل اکبر و معیاری برای تشخیص حق، کمال عبودیت، هدایت و انسانیت است. (إسراء 9: همانا این قرآن خلق را به راست‌ترین و استوارترین طریقه هدایت می‌کند...) (حشر 21: اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم مسلماً آن را میدیدی که خاشع و از ترس خدا متلاشی می‌شود) (إسراء 82: ما آنچه از قرآن فرستادیم شفای دل و رحمت الهی بر اهل ایمان است) (یونس 57: ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان آمده است) (فصلت 44: بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است)

* امام علی (ع): شفای دردهای خود را از قرآن بخواهید... (نهج البلاغه، خطبه 176)

* نماز: نقش دوگانه (سلبی و ایجابی).

* سلبی: بازدارنده از فحشا و منکر (عنکبوت 45: "نماز، نمازگزار را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد.")

* ایجابی: تقویت ایمان، بزرگی انسان، آرامش نفس (عنکبوت 45: "نماز بزرگترین یاد خدای اکبر است...")

* اهمیت نماز: مقدم داشتن نماز بر همه امور (نور 37)، خشوع در نماز (مؤمنون 2)، محافظت بر اوقات نماز (مؤمنون 9)، مداومت بر تکرار (معارج 22)، مطیعانه نماز خواندن (بقره 238)، اخلاص در نماز (انعام 162)، غفلت نداشتن در نماز (مانده 5)

* دعا: مفهوم: درخواست با خضوع و فروتنی از خداوند. فواید: تقویت ارتباط با قدرت الهی، اعتماد به نفس، و رهایی از یأس. (بقره 186: من نزدیکم و پاسخ دهنده را می‌دهم.)

(نمل 62: آیا چه کسی جواب انسان بیچاره مضطرب که خدا را خوانده و از او استغاثه می‌کند می‌دهد؟)

* شرایط استجاب دعا: ایمان و عمل صالح (شوری 26)، اخلاص (غافر 14)، اضطراب (نمل 62)، خوف و امید (سجده 16)، تضرع (اعراف 55)، شناخت عظمت خدا، لقمه حلال، حضور قلب، دل بردن از غیر خدا.

* مسجد: مکان اختصاصی خدا، محل ذکر و عبادت. (جن 18: مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید) حضور در مسجد نقش مهمی در تربیت انسان دارد.

* پیامبر (ص) فرمودند: در تورات نوشته شده خانه‌های من در روی زمین مسجدهایند...

* امام علی (ع) فرمودند: هر که به مسجد آمد و شد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد...

* امام صادق (ع) فرمودند: بر شما باد به رفتن به مساجد...

*** عوامل فردی :**

عوامل فردی به عناصر فردی تأثیرگذار بر تربیت اخلاقی در انسان اشاره دارد که بر مبنای تلاش و کوشش فرد، او می‌تواند رشد، تعالی و تکامل اخلاقی را در خود ایجاد کند. (تلاش و کوشش فرد برای رشد، تعالی و تکامل اخلاقی)

*** اراده:**

* تعریف: اراده به معنای خواستن و طلب کردن است و به عنوان یک حالت نفسانی در انسان تعریف می‌شود که فرد پس از تشخیص ضرورت انجام کاری، تصمیم می‌گیرد و هیچ مانعی نمی‌تواند او را متوقف کند.

قرآن: قرآن کریم، پیامبران را به عنوان صاحبان عزم و اراده قوی معرفی می‌کند و برترین پیامبران به دلیل داشتن همین ویژگی، برتر شمرده می‌شوند. خداوند در آیه 111 سوره طه، حضرت آدم را به دلیل نداشتن عزم و اراده، از داشتن شریعت و رسالت محروم می‌کند. همچنین، در آیه 11 سوره احقاف، به پیامبر اکرم (ص) توصیه می‌شود که مانند پیامبران با اراده و عزم، صبر و استقامت کند. در آیه 121 سوره آل عمران، صبر و پرهیزگاری به عنوان نشانه‌ای از عزم استوار و اراده قوی در کارها معرفی شده است.

روایات: پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «پیروزی در گرو اراده قاطع و دوراندیشی انسان است». امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «بزرگ نکرده مردی را چیزی مثل همت و عزم او و پست نکرده او را چیزی مثل شهوت و خواهش او». ایشان همچنین می‌فرماید: «قدر و ارزش هر انسانی به اندازه قدر همت و مقدار اراده او است».

* اراده، مهمترین عامل در رشد و شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی است.

* تأثیر عوامل دیگر مانند وراثت، خانواده، مدرسه و محیط اجتماعی در طول اراده انسان قرار دارد.

* اراده، تصمیم‌گیرنده نهایی برای به فعلیت رساندن سایر عوامل است.

* مسئولیت انسان در مورد اراده اوست و او در مورد فعل اختیاری خودش بازخواست می‌شود.

* اراده و اختیار، همچون بند تسبیحی است که دانه‌های تسبیح (عوامل مختلف) را به هم مرتبط می‌کند.

* اراده و اختیار به عنوان یک وجود روحی، در طول سایر عوامل جسمانی و روحی انسان قرار دارد.

* حکمای مسلمان، تأثیر اراده و اختیار انسان را در مقام جزء آخر از علت تامه عمل در افعال خودش در نظر گرفته‌اند.

*** ریاضت نفس:**

* تعریف: ریاضت نفس به معنای بازداشتن انسان از هواهای نفسانی و وادار کردن آن به انجام کارهایی است که عقل و شرع می‌پسندند.

* در اسلام، نازپروری جایی ندارد و تعالیم آن به گونه‌ای است که افراد را به سختی و مشکل‌خو می‌دهد تا استعدادها و الای آنان شکوفا شود.

* رسول خدا (ص) فرمود: «انسان با اراده کسی است که بتواند بر هوای نفس خود غلبه کند». امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «من نفس خود را با تقوا ریاضت می‌دهم»

* امام علی (ع): «خداوند رحمت کند کسی که شهوت خود را مغلوب و هوای نفس خود را سرکوب کند».

* امام باقر (ع): سخت‌ترین مردم از نظر شدت گرفتاری و میزان بلا، پیامبرانند و سپس کسانی که از دیگران بهتر و شریف‌ترند.

* نکته: ریاضت نفس، انسان را از خامی به پختگی و از ضعف به قوت می‌رساند.

* نکته: قرار گرفتن در سختی‌ها به انسان قدرت بیشتری می‌دهد و او را از ضعف و سستی بیرون می‌برد.

* نکته: خداوند بندگانش را با سختی‌های گوناگون می‌آزماید تا خودپسندی را از دل‌هایشان بزداید و فروتنی را جایگزین آن سازد.

- * نکته: ریاضت شرعی یا جهاد اکبر، یک نوع تمرین همراه با سختی است که شخص در آن نفس سرکش خود را رام می کند.
- * نکته: منظور از ریاضت نفس این است که انسان از سختی ها فرار نکند و خود را در مقابله با مشکلات قرار دهد.

خود آزمایی چهارگزینه ای فصل دوم

۱. کدام یک از عوامل زیر، به صورت سرشتی و ذاتی در انسان وجود دارند؟
 الف) علم و آگاهی ب) عبادت و عمل ج) صفات عبادی د) وراثت
۲. کدام گزینه زیر، از ساختارهای میله ای ماندی از ۲۳ جفت همشکل و همانند تشکیل شده است؟
 الف) کروموزم ب) ژن ها ج) DNA د) RNA
۳. علم مطالعه خصوصیات بالفعل ژن ها را چه می نامند؟
 الف) ژنوتیپ ب) فنوتیپ ج) فطرت د) کروموزوم
۴. کدام گزینه زیر مصدر نوعی است و به معنای نوع ویژه و خاصی از آفرینش آمده است؟
 الف) ژن ب) وراثت ج) غریزه د) فطرت
۵. نخستین نهاد اجتماعی است که با ازدواج یک زن و مرد شروع گردیده و اعضای آن دارای روابط شرعی، قانونی، انسانی و عاطفی می گردند؟
 الف) قوم ب) قبیله ج) خانواده د) همه موارد
۶. در روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم انسان بر دین و آیین.... خود، بیان شده است؟
 الف) قوم ب) قبیله ج) خانواده د) دوست و همنشین
۷. بر طبق حدیث نقل شده..... در آب و هوا، در مقاومت و شکل گیری شخصیت و تربیت انسان تأثیر بیشتری می گذارد؟
 الف) سهولت ب) سرعت ج) سختی د) هیچ کدام
۸. انجام کدام گزینه زیر، برای پاک بودن پاک ماندن و پاک زیستن ضروری است؟
 الف) تربیت ب) عبادات ج) هدایت د) همه موارد
۹. آنچه به معنای..... واقعاً اتفاق افتاده است صرفاً حذف قوانین خداست و آنچه عملاً اتفاق افتاده است، جعل قوانین توسط انسان ها است؟
 الف) آزادی و سکولاریزم ب) سکولاریزم و لیبرالیسم ج) آزادی و اراده د) آزادی و لیبرالیسم
۱۰. از منظر اسلام، معنای واقعی..... وابستگی یک موجود نیازمند به یک وجود بی نیاز است که نقطه اتکا وجود او و عامل حفظ و حراست او در سرد و گرم روزگار است؟
 الف) عبودیت ب) عبادت ج) ولایت د) اطاع
۱۱. در روایات معصومین، بالاترین مخلوق خدا (ثقل اکبر) که معیاری برای تشخیص، حق، کمال عبودیت هدایت و انسانیت است، کدام گزینه زیر است؟
 الف) دین و آئین ب) قرآن ج) ولایت د) اخلاق

۱۲. قرآن کریم نقش را از دو جنبه سلبی و ایجابی مورد توجه قرار داده است؟

الف) نماز (ب) قرآن (ج) ولایت (د) اخلاق

۱۳. کدام گزینه زیر به معنای خواندن و درخواست کردن با خضوع و فروتنی توسط شخص دانی و پایین از شخص بلند مرتبه و عالی اشاره دارد؟

الف) نماز (ب) دعا (ج) ولایت (د) اخلاق

۱۴..... در انسان را م‌یتوان حالتی نفسانی دانست که اگر شخصی تشخیص داد که باید کاری را انجام دهد، تصمیم بگیرد و هیچ طبیعتی نتواند جلو او را بگیرد؟

الف) اراده (ب) اختیار (ج) ولایت (د) شریعت

۱۵. حرکت در مسیر تمایلات و خواهش هایی از نفس شیطانی است که او را در مسیر تنزل و سقوط قرار می دهد؛ به کدام گزینه زیر اشاره دارد؟

الف) هوای نفس (ب) هدای نفس (ج) اراده نفس (د) نفس اماره

فصل سوم : موانع تربیت اخلاقی

هدف کلی: آشنایی با موانع تربیت اخلاقی، از جمله جهل، هوای نفس و شیطان، و راه های مقابله با آن ها. همچنین، بحث در مورد غذاهای حرام.

❖ مقدمه :

* انسان دارای دو بعد وجودی است: جسمانی و روحانی. سلامت و کمال روحی انسان بر مبنای ایمان و اطاعت از خدا شکل می گیرد.

* اخلاق دارای دو جنبه است: فضایل (نیازمند رشد) و رذایل (نیازمند تهذیب).

* موانع رشد اخلاقی، انسان را از رسیدن به مقصد متعالی باز می دارند و موجب توقف یا انحراف در مسیر صراط مستقیم می شوند.

* مهم ترین موانع رشد اخلاقی عبارتند از: جهل، هوای نفس (درونی)، دنیاگرایی، شیطان پرستی و غذای حرام (بیرونی).

❖ جهل :

* در قرآن، جهل و ظلم دو گناه بزرگ هستند (احزاب، 72) که به حمل امانت الهی آسیب می رسانند.

* جهل به معنای نادانی، سفاقت و حماقت است و هم در مقابل علم و هم در برابر عقل به کار برده شده است.

* در قرآن، جهل و ظلم دو گناه بزرگ هستند (احزاب، 72) که به حمل امانت الهی آسیب می رسانند.

* امام علی (ع) فرمودند: جهل در انسان زیان بارتر از بیماری خوره در بدن است.

* جهل به معنای نادانی، سفاقت و حماقت است و هم در مقابل علم و هم در برابر عقل به کار برده شده است.

* جهل از منظر اسلام، به عنوان یکی از موانع مهم و جدی برای رشد ارزش های اخلاقی بیان شده است.

❖ انواع جهل :

* جهل به عنوان نادانی (علمی) :

* به معنای بی دانشی و نداشتن معلومات است. "وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا" (اسراء، 85).

* انسان به دلیل نادانی در پذیرش مسئولیت مورد مذمت قرار گرفته است. (احزاب، 72)

* نادانی هم در امور دنیوی (نمل، 61) و هم در امور اخروی (بقره، 13) وجود دارد.

- * قرآن کریم، یکی از روش های مهم درمان این نادانی و جهل را، رجوع به دانایان و سؤال کردن و پرسیدن از آن ها بیان کرده است. (نحل، 43)
- * وجود این جهل، یک امر نسبی برای انسان ها است. در آیات و روایات، جهل به امور مادی و دنیوی و همچنین امور آخرتی اشاره دارد.
- * امام باقر (ع): اگر بندگان، آنگاه که نمی دانستند درنگ می کردند گرفتار انکار و کفر نمی شدند.
- * جهل به عنوان بی خردی (عقلی):**
- * به شکوفا نشدن عقل به واسطه عدم دانش افزایی درست، یا استفاده نامناسب از معلومات شناختی اشاره دارد.
- * انسان در اثر افزایش و زیادی نادانی و جهل محتوایی و مداومت بر آن از تفکر جاهلانه برخوردار گردیده و ماهیت ساختار عقلی و فکری او نیز دستخوش تغییر و تبدیل قرار می گیرد.
- * این نوع جهل یا به خاطر تداوم نادانی و جهل محتوایی در انسان ایجاد می گردد (جهل نظری) و یا به خاطر هوای نفس و عمل نکردن به دانسته های فرد (جهل عملی) به وجود می آید. نتیجه: از بین رفتن قدرت تفکر و تعقل.
- * نتیجه هر دو، از بین رفتن قدرت تفکر، تعقل، تدبیر، تأمل و مانند آن است.
- * در بسیاری از آیات و روایات جهل به این معنی و به عنوان بلاهت سفاهت و حماقت در مقابله با عقل آمده است.
- * علمی که ظرفیت وجودی آن نیز ایجاد نشده باشد، موجب جهل و بی خردی می شود. (طه، 114).
- * عالمان بی عمل و برخوردار از هوای نفس، برخوردار از این نوع جهل هستند و مورد ملامت قرار گرفته اند.
- * راه درمان: عمل به دانسته های اندک، ایمان، تقوا و عمل صالح (انفال، 29؛ بقره، 269)، پرسیدن از اهل ذکر (نحل، 43).
- * پرسیدن از اهل ذکر، راه دیگری برای مبارزه با جهل است.
- * قرآن، علمای یهود را به دلیل عمل نکردن به علم، به الاغی تشبیه می کند که بار کتاب حمل می کند (جمعه، 5).

*** هوای نفس**

- * تعریف نفس و هوای نفس: نفس به حقیقت وجودی انسان اشاره دارد؛ وجودی که با نبودش، مرگ حاصل می شود. خداوند می فرماید انسان از یک نفس آفریده شده است (اعراف، ۱۸۹).
- * نفس طی تربیت مثبت یا منفی به اقسام مختلفی مانند نفس اماره (دعوت به بدی)، نفس لواحه (ندامت کننده)، نفس مطمئنه و امثال آن تغییر می کند.
- * هوای نفس، یعنی گرایش های کج و تمایلات شیطانی و منفی که نفس سالم را دچار تورم و خودخواهی می کنند. موجب سقوط انسان و به جای خداپرستی، هواپرستی می شود.
- * آیات مرتبط با هوای نفس و پیروی از آن**
- «آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده؟ آیا تو می توانی او را هدایت کنی؟» (فرقان، ۴۳)
- «آن که معبود خود را هوای نفس قرار داده است، خداوند بر گوش و قلب و چشمش مهر زده است» (جاثیه، ۲۳)
- «هرگاه پیامبری چیزی خلاف هوای نفس آورد، آن ها تکذیب و حتی عده ای را به قتل می رسانند» (بقره، ۸۷)

*** احادیث درباره هوای نفس:**

- پیامبر (ص) فرمود: بزرگترین و بدترین بت پرستی، هواپرستی است که آدمی را از حق باز می دارد و آخرت را فراموش می کند.
- امام علی (ع): بدترین دشمن سعادت، نفس خودبین است.

- امام صادق (ع): از هوای نفس بترسید؛ چون دشمنی خطرناک‌تر از آن نیست.

* عوارض پیروی از هوای نفس:

1. غفلت از یاد خدا (کهف، ۲۸) 2. بی‌ایمانی و کفر (طه، ۱۶) 3. بدترین گمراهی (قصص، ۵۰) . دوری از حقیقت و عدالت (نساء، ۱۳۵)
5. گسترش فساد (مومنون، ۷۱) 6. دوری از سعادت و رستگاری و بدبختی 7. دشمنی با عقل و دین

* جهاد با نفس:

- پیامبر فرموده: جهاد اکبر جهاد با نفس است.

- امام سجاد (ع) حدیث قدسی: هر که خدا را بر هوا و هوش مقدم دارد، خداوند همت، بی‌نیازی و روزی آسان برایش مهیا می‌کند.

* دنیاگرایی:

* معنا و ماهیت دنیا: دنیا به معنای "پایین‌ترین"، "نزدیک" یا "پست‌ترین" چیزهاست. (دُنیا: از "دنو" (نزدیک شدن) یا "دَنائت" (پستی))

* دنیا دو نوع معنا دارد:

عینی: همین جهان مادی که جای زندگی ماست، مخلوق و تجلی اسماء الهی است و فی‌نفسه ذاتاً بد نیست، اما نسبت به آخرت کوچک و کم ارزش است. - جهان مادی (خلقتی حکیمانه و تجلی اسماء الهی)

ذهنی: برداشت انسان‌ها از دنیا که ممکن است به دو شکل باشد: 1. نگاه واقع بینانه و ابزاری به دنیا (مزرعه آخرت) 2. نگاه دل‌بسته و تمامیت‌بخش دنیا که موجب غفلت از آخرت می‌شود (دل‌بستگی و غفلت از آخرت، دنیاپرستی)

* آیات در مورد دنیا:

«آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟ در حالی که متاع دنیا مقابل آخرت چیزی اندک است.» - (توبه، ۳۸) «زندگی دنیا بازی و سرگرمی است.» (عنکبوت، ۶۴) - «دنیا تنها زینت ظاهری دارد که فریب‌کار است.» (فاطر، ۵) - «دل‌بستگی به اموال، فرزندان و زیبایی‌های دنیا زیبا جلوه داده شده، اما این ها سرمایه زندگی پست است.» (هود، ۱۵)

* روایات درباره دنیا:

- رسول خدا(ص): به دنیا ناسزا مگویید، زیرا وسیله‌ای برای رسیدن به خیر است.

- امام علی (ع): دنیا کور کننده است برای کسی که جز دنیا را نبیند، ولی بینشی می‌دهد به کسی که آن را وسیله بداند.

- امام کاظم (ع): بهره‌گیری معقول از دنیای حلال به انجام امور دین کمک می‌کند.

* دنیاگرایی و انحراف آن

- دنیاگرایی یعنی قرار دادن دنیا به جای هدف اصلی خلقت (خدا و آخرت).

- برخی اعمال عبادی ممکن است دنیایی شود اگر تنها برای نمایش و کسب موقعیت در این دنیا انجام شود.

در حدیثی دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید: فریب نماز و روزه مردم را نخورید؛ زیرا آدمی گاه چنان به نماز و روزه خو می‌کند که اگر آنها را ترک گوید، احساس دل‌تنگی می‌کند بلکه آن‌ها را به راستگویی و امانت‌داری بیازماید. آنچه از روایات فوق و برخی احادیث شریف دیگر استفاده می‌شود این است که برخی از بزرگترین مصادیق، عبادی همچون نماز، روزه حج، تهجد و مانند آن اگر بر مبنای اندیشه التقاطی هدف گرایانه قرار گیرد، از مصادیق پست دنیایی می‌گردد؛ چنانچه تفکر متحجرانه، خوارجی، سلفی، وهابی، داعشی و مانند آن که در هر دوره‌ای وجود داشته و با اسم‌های متفاوتی قد علم می‌کنند ناشی از نگاه هدف گرایانه افراطی، به برخی از مصادیق عبادی دنیا است. قرآن کریم نگاه افراطی در دین دنیاگرایانه یهود و اندیشه تفریطی آن‌ها به عالم آخرت (بقره ۹۶) و نگاه تفریطی در دین دنیاگرایانه مسیحیت و اندیشه افراطی در آخرت‌گرایی آن‌ها را (حدید ۲۷) دو

شاخصه غیر تعادلی دانسته و بر مبنای این دو نگاه غیر معتدلانه، مسیحیان به عنوان گمراهان (ضالین) و یهودیان به عنوان مورد غضب شدگان (مغضوبین) معرفی شده اند. این موضوع، در روایتی از پیامبر اکرم و امام صادق بیان شده است. پس، باید توجه داشت که دنیا از یک اندیشه انحرافی نشأت می گیرد که گاهی این اندیشه در عبادیات نیز تجلی می یابد.

**** نکات کلیدی :** اقسام نفس: اماره، لوامه، مطمئنه. نفس مسوله. اهمیت مبارزه با هوای نفس برای رسیدن به سعادت.

**** عواقب دنیاگرایی :**

1. **بی نتیجه ماندن:** اعمال کافران مانند سرایی در بیابان است که تشنه آن را آب می پندارد، اما چون بدان رسد چیزی نیابد. (نور ۳۹) این آیه به بی نتیجه ماندن دنیاگرایی اشاره دارد.

2. **نابود کننده ایمان:** امام علی (ع): دنیا پرستی، دین انسان را بر باد می دهد و ایمان و یقین او را می گیرد.

3. **زبان آفرین:** امام علی (ع): دنیا بازار زیان است. " (زبان آفرین بودن دنیا)

4. **بی وفایی:** امام علی (ع): دنیا برای هیچ نوشنده ای گوارا و به هیچ دوستی وفادار نیست. (بی وفایی دنیا)

5. **بر آورده نشدن نیازهای واقعی:** امام کاظم (ع): مثل دنیا، مثل آب دریاست که هر چه انسان تشنه از آن بنوشد، عطش او بیشتر می شود.

6. **ظاهر فریبنده و باطن خطرناک:** امام کاظم (ع): مثل دنیا، مثل مار خوش خط و خالی است که ظاهری فریبنده و در باطن سم کشنده دارد.

**** شیطان :**

*** تعریف:** شیطان از ریشه "شطن" به معنای انحراف از حق گرفته شده و به موجود سرکش و متمرد که از حق دور شده و در صدد گمراهی دیگران است اطلاق می شود. شیطان اسم جنس است و منحصر به ابلیس نیست.

*** آیه (انعام ۱۱۲):** بدین گونه ما برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انسانی و یا از جن قرار دادیم. (شیطان می تواند از جنس انسان یا جن باشد)

*** آیه (ابراهم ۲۲):** شیطان در قیامت می گوید: من بر شما تسلط نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابراین، مرا سرزنش نکنید خودتان را سرزنش کنید! (تاکید بر اختیار انسان)

*** آیه (اسراء ۶۵):** تو بر بندگان من تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی کنند. (تسلط شیطان بر گمراهان)

*** آیه (حج ۵۳):** هدف از خلقت شیطان، آزمونی برای کسانی است که در دلهای شان بیماری است. (وسیله ای برای تکامل انسان های با اراده)

**** اهداف شیطان :**

1. **ایجاد دشمنی:** شیطان سخت دشمن شماست شما هم او را دشمن بدارید. (فاطر ۶)

2. **فرمان به پلیدی ها:** از گام های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است؛ او شما را به انواع بدی ها و زشتی ها دستور می دهد. (نور ۲۱)

3. **کمین برای حمله:** من هم ایشان را از راه راست تو منحرف می کنم آنگاه از پیش و از پس و از چپ و راست بر آن ها می تازم. (اعراف ۱۷)

4. **ایجاد غفلت از یاد خدا و نماز:** همانا شیطان قصد آن دارد که شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد. (مائده ۹۱)

5. **ایجاد بی حیایی و بی آبرویی:** مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. (اعراف ۱۷)

6. **ایجاد فقر و فحشاء:** شیطان شما را وعده فقر درونی و بی چیزی می دهد و به کارهای زشت و بخل وادار می کند. (بقره ۲۶۸)

7. **تحقیر انسان:** شیطان خوارکننده و رها کننده انسان است. (فرقان ۲۹)

8. **کار زشت را زیبا جلوه دادن:** شیطان اعمالشان را در نظرشان زیبا کرده و از راه خدا منحرفشان کرده است. (نمل ۲۴)

9. ترساندن انسان: شیطان دوستانش را می ترساند پس از ایشان نترسید و از من بترسید. (آل عمران ۱۷۵)

10. ایجاد فراموشی: این شیطان بود که سبب شد فراموشش کنیم. (کهف ۶۳)

11. دعوت به شراب، قمار، بت پرستی: ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی همه این ها پلید و از عمل شیطان است. (مائده ۹۰)

12. ایجاد غرور و تکبر: شیطان بسیار وعده دهد و ارزومند و امیدوار کند اما وعده شیطان به جز غرور و فریب چیزی نیست. (نساء ۱۲۰)

13. اسراف کاری: اسرافکاران با شیاطین برادرند. (اسراف ۲۷۶)

14. مجادله: بعضی از مردم بدون هیچ دانشی درباره خدا مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند. (حج ۳)

15. وسوسه خوردن مال حرام: ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید و وسوس شیطان را پیروی نکنید. (بقره ۱۶۸)

❖ راههای مقابله با شیطان :

1. پناه بردن به خدا: و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه ای پدید آمد به خدا پناه ببر. (اعراف ۲۰۰)

2. تقوا و پرهیزگاری: کسانی که پرهیزگاری می کنند چون از شیطان وسوسه ای به آن ها برسد، خدا را یاد می کنند. (اعراف ۲۰۱)

3. یاد خدا بودن: هر کس که از یاد خدای رحمان روی گرداند، شیطانی بر او می گماریم که همواره همراهش باشد. (زخرف ۳۶)

4. مقاومت کردن: امام علی (ع) در برابر شیطان صف آرای می کند.

5. صدقه دادن: امام باقر (ع): صدقه روی ابلیس را سیاه می کند.

6. دعا و نیایش کردن: امام صادق (ع): راه بالا (دعا) و پایین (سجده) برای مقابله با شیطان باز است.

7. روزه گرفتن و انجام عبادات دیگر: پیامبر (ص): روزه روی شیطان را سیاه می کند، صدقه پشت او را می شکند، و دوست داشتن برای خدا ریشه او را می کند و استغفار شاهرش را می زند.

❖ غذای حرام :

❖ مانع پیشرفت اخلاقی و معنوی می شود.

❖ مصرف غذای حرام مانند خوردن آتش است که مصرف کننده را در آخرت می سوزاند.

❖ پیروی از گامهای شیطان تلقی می شود.

❖ آیه (بقره ۱۶۸): دستور به استفاده از غذای حلال و طیب و عدم پیروی از گامهای شیطان.

❖ حدیث پیامبر (ص): عبادت کردن با وجود حرام خواری مانند ساختن بنایی بر روی شن است. بهشت بر بدنی که از مال حرام تغذیه شود، حرام است.

❖ انواع غذاهای حرام :

1. خوردن مال یتیم: خوردن مال یتیم، خوردن آتش در شکم است. (نساء ۱۰)

2. کتمان کنندگان حق: کسانی که آنچه را خدا از کتاب نازل کرده کتمان می کنند، جز آتش چیزی نمی خورند. (بقره ۱۷۴)

3. خوردن حیوانات حرام گوشت: بیان مصادیق حیوانات حرام گوشت. (انعام ۱۴۵)

خوردن حیوانات حرام مانند مردار، خون، گوشت خوک و حیواناتی که به نام غیر خدا قربانی شده اند.

4. اکل مال به باطل: کسب ثروت از طریق قمار، رشوه و سایر روش‌های غیرقانونی. امام باقر (ع): مصادیق غذاهای ممنوعه (قمار، رشوه، نجاسات).

خود آزمایی چهارگزینه ای فصل سوم

۱. در قرآن کریم، اولین موضوعی که پس از خلقت انسان درباره او بیان شده است، کدام گزینه زیر است؟

الف) عرضه امانت (ب) عبادت انسان (ج) تعلیم اسماء (د) همه موارد

۲. از مهم ترین عوامل گرفتاری های انسان، که او را در رسیدن به هدف خلقتش باز می دارند کدام گزینه زیر است؟

الف) ظلم و جور (ب) جهل و ظلم (ج) جهل و گناه (د) کفر و شرک

۳. قرآن کریم، یکی از روش های مهم درمان نادانی و جهل را چه بیان کرده است؟

الف) رجوع به دانایان (ب) تعلیم اسماء (ج) آموزش درست (د) همه موارد

۴. در روایت امام علی (ع) دشمن مردم چه چیزی بیان شده است؟

الف) معصیت (ب) جهالت (ج) دنیا (د) گناه

۵. به خواهش ها و تمایلات منفی و شیطانی، که عامل سقوط و هبوط انسان است، چه می گویند؟

الف) هدای نفس (ب) همای نفس (ج) هوای نفس (د) نفس مسوله

۶. در روایت پیامبر اکرم (ص) بزرگترین و بدترین نوع بت پرستی چه چیزی بیان شده است؟

الف) معصیت (ب) جهالت (ج) دنیاگرایی (د) هوا پرستی

۷. یکی از تعابیر مذموم نفس اکتسابی، که خدای متعال، از قول سامری در فتنه انگیزی در گوساله پرستی نقل فرموده کدام است؟

الف) نفس اماره (ب) نفس مسومه (ج) هوای نفس (د) نفس مسوله

۸. در روایت پیامبر اکرم، برترین و بزرگترین جهاد چه چیزی معرفی شده است؟

الف) نفس اماره (ب) نفس مسومه (ج) مبارزه با نفس (د) نفس مسوله

۹. در روایت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) مورد غضب شدگان (مغضوبین علیهم) چه کسانی معرفی شده اند؟

الف) یهودیان (ب) مسیحیان (ج) مسلمانان (د) منافقان

۱۰. در حدیث پیامبر خدا بزرگترین گناهان، چه چیزی بیان شده است؟

الف) دنیا دوستی (ب) دنیا زایی (ج) دنیا دایی (د) جهالت

۱۱. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، کدام یک از مصادیق زیر، به عنوان خوردندگان غذاهای حرام بیان شده است؟

الف) افشاء کنندگان حق (ب) کتمان کنندگان حق (ج) یهودیان (د) مسیحیان

۱۲. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) کدام یک از مصادیق زیر، به عنوان اهداف شیطانی بیان شده است؟

الف) افشاء کنندگان حق (ب) فرمان به پلیدی ها (ج) کتمان کنندگان حق (د) دنیا دوستی

۱۳. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) کدام یک از مصادیق زیر، به عنوان راه های مقابله با شیطان معرفی شده است؟

الف) افشاء کنندگان حق (ب) فرمان به پلیدی ها (ج) کتمان کنندگان حق (د) یاد خدا بودن

